

بابا گرگه و پاپی

کاری از تیم :

Flaxen Guys

Aralia

مترجم :

Akane

کاپیتر :

Yuki / Lilac

ویراستار :

Suyori

تایپیسٹ :



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guyss

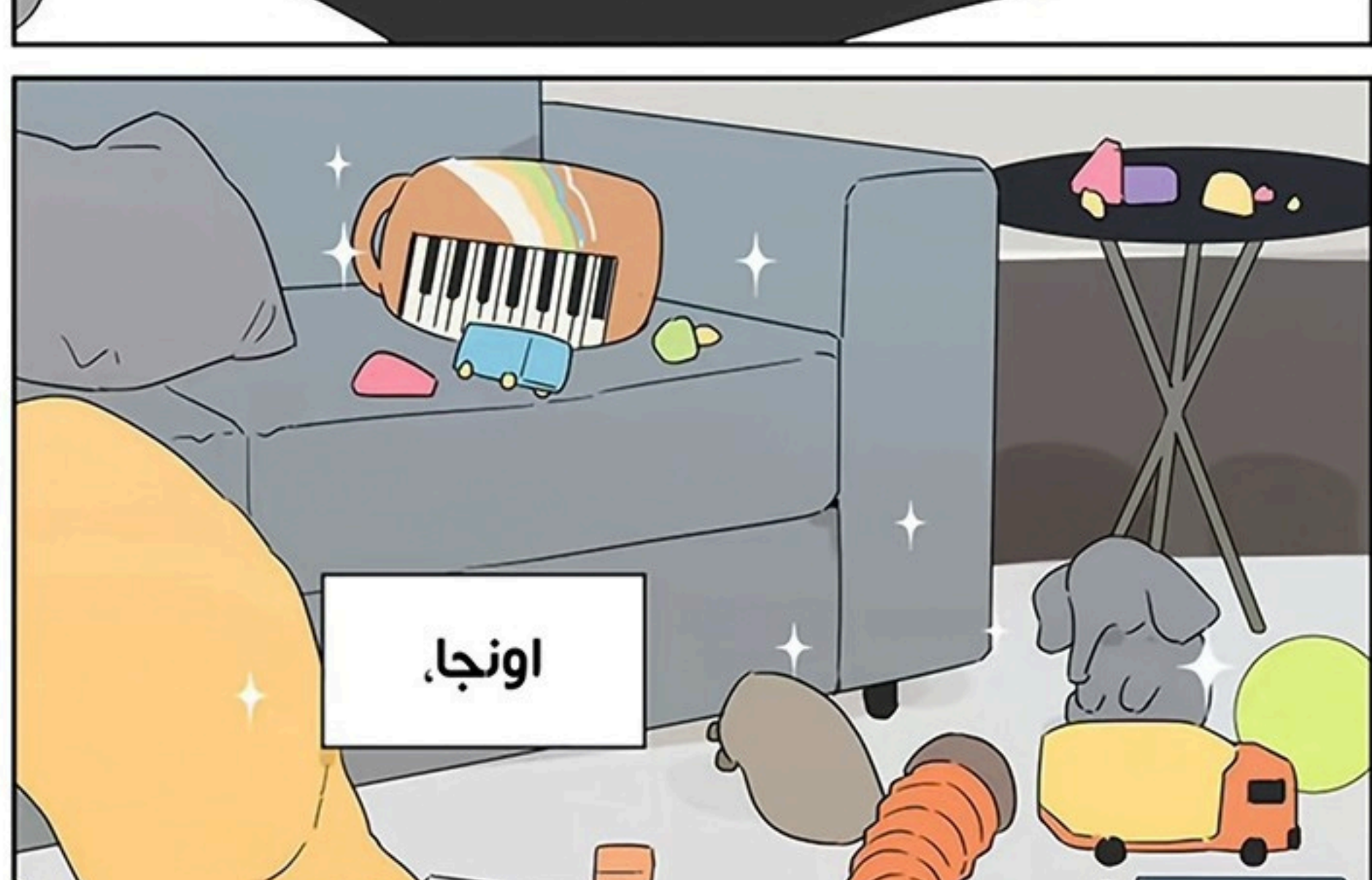


@FlaxenGuys





امروز صبح





امروز

من فقط برای

خودم چیزی می خرم.



گوو...



نمی تونم دل نازک باشم!

اون به اندازهی کافی خرت و پرت داره، لازم نیست هردفعه براش چیزی بخرم!



تازشم ممکنه یه روزی برگرده پیش پدر و مادرش

هرچه قدر وسایل کمتر باشه تمیزکاری آسون تر میشه...



ماما~



هوم؟

باز چی می خوای؟



آوردی امتحانش کنم؟

عالم...



هاهاهاها

هان؟

نازی نازی



هاهاهاها

عمر اونو بخرم، بذار سرجاش.



...عصبانیه؟



هی، چرا برای
همچین چیز مسخره‌ای
امیر می‌پرونی؟



پهف

مثل اینکه قراره
بدگت شم تا بتونم از
دلش در بیارم...



چی کار کنم؟ نرسی
دلش می‌خواد بخرم؟

ولی بهتره سر
حرفم بونم.



بوو!

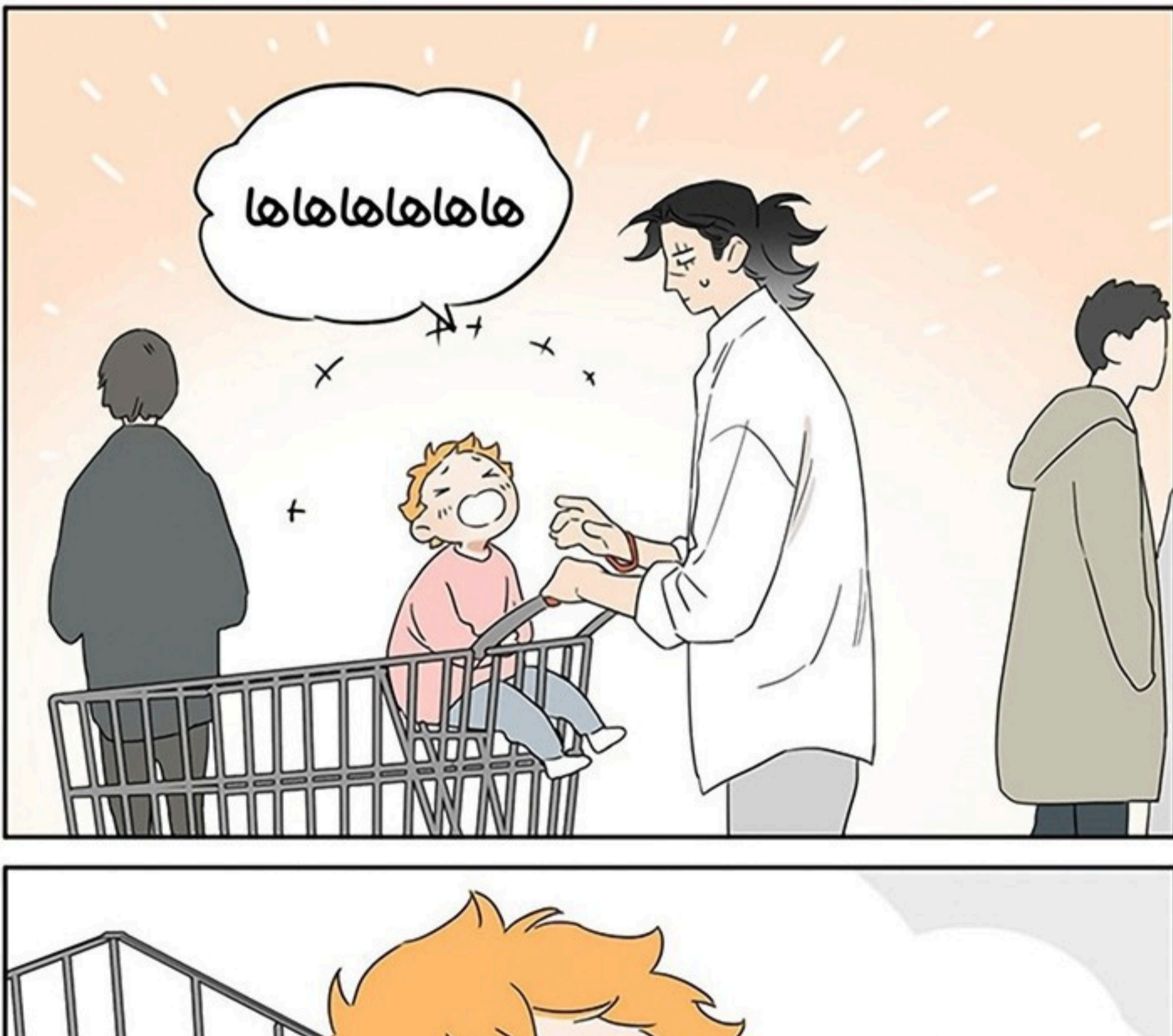


عوهههه!

.....



بوو!



هاهاهاهاها



بوو!



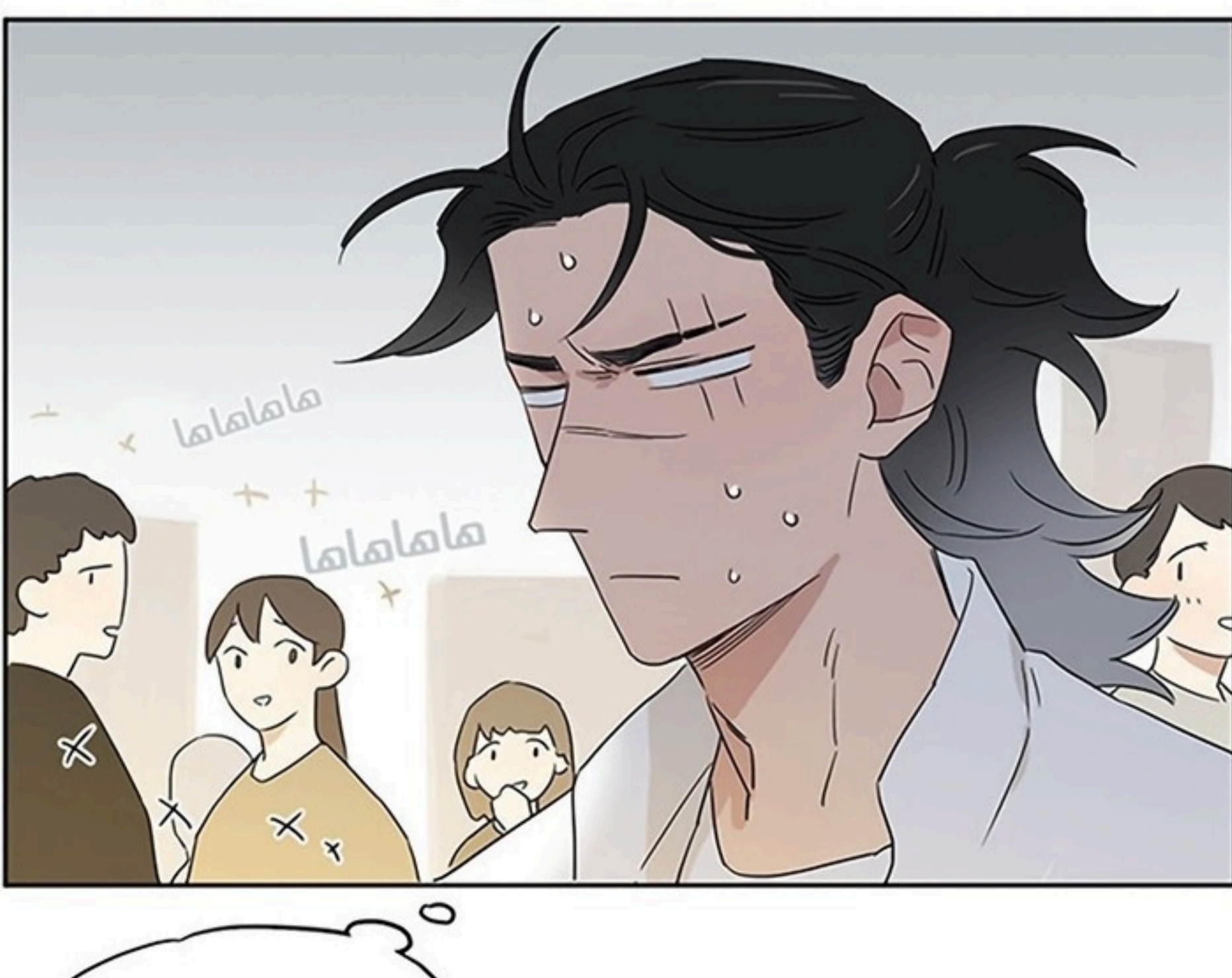
هاهاهاهاها

هاهاهاها



هاهاهاها
هاهاهاها

هاهاها
هاهاها



نمی‌دونم چرا...

اما انگار دیگه
عصبانی نیست...

...از این به
بعد باهاش بهتر
رفتار می‌کنم



